

تاریخ ارسال به پورتال " افغانستان آزاد - آزاد افغانستان " (۲۰۱۲ / ۲ / ۱۲)



(۱۱ مارچ ۱۹۹۴)

نشکن

باغبان شاخه ای گل را نشکن
 این دلی زار و پریشم نشکن
 گل چه زیباست با شاخه و برگ
 جلوۀ دلفریبش نشکن
 زینت محفل رندان نشود
 زیب دست عروسان نشکن
 بلبل خوش آواز چه خوش خواند
 عشق و عمرم تو بی حیا نشکن
 بگذار مرهمی بر زخمِ دلم
 روی زخمِ دلم نمک نشکن
 عهد و پیمان تو خطا همه وقت
 دلی پر دردِ عاشقان نشکن
 گل به بازار نبر بهر فروش
 تو غرور گلرخان نشکن



(ماه می ۱۹۹۷)

خاک وطن

" بیدل " چه توان کرد که دل در بری من نیست گم گشت دلم تاب و توان بر دلی من نیست



از طعنه اغیار غلتید به خون دل کی گیرد دست دل که دگر دلبری من نیست



دل می تپد در خون ، خون می چکد از دل اینک مرهمی بهر شفاء دل من نیست



از طنز بیگانه بشد این نکته هویدا جز خاک وطن کعبه ، دگر کعبه ای من نیست

از دفتر شعر ___ " پیام " آتشین رحیمه توخی (جلد اول)

جز خاک وطن من نکشم سرمه به چشمم این خاک که زیباست ؛ مگر خاک وطن نیست



مادر که مرا زاد ، به تنم خاک وطن زد جز خاک وطن ، خاک دگر محرم من نیست



برخاسته شعله درد از کوره ای قلبم می سوزم چو شمع و پروای تن من نیست



باشید به دشت های وطن خاکسترم را
در کشور غیر حاجتی برگور و کفن نیست